

کتابشناسی ملی ایران

○ مهدی افشار



○ کتابشناسی ملی ایران ۱۳۷۵
 ○ زیر نظر مرکز خدمات فنی
 ○ کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹

کتاب ماه کلیات / آذر و دی ماه ۱۳۷۹

۱۶

کرده و با معرفی منابع در حوزه تاریخ و جغرافیا با شماره یا کد ۹۹۹-۹۰۰ به پایان برده و در پایان بخشی را به کتاب‌های انتشار یافته در قلمرو آثار کودکان و نوجوانان و نابینایان و جزوه‌ها اختصاص داده است.

بدیهی است کتابشناسی ملی با بیش از چهل و پنج سال تجربه باید پخته و سنجیده شده باشد. از روزگاری که ایرج افشار، در سال ۱۳۳۳ جزوه‌ای با نام کتابشناسی ایران تدوین کرد و آن را همراه با فرهنگ ایران زمین منتشر ساخت، چهل و شش سال می‌گذرد و این نخستین تجربه، به همت کتاب فروشی ابن سینا و در سال بعد از آن (۱۳۳۴) پی گرفته شد و در سال سوم این کتابشناسی نامی دیگر گرفت: «کتاب‌های ایران». در همان زمان نیز ایرج افشار این کتابشناسی‌ها را در قالب و نظم دهده دیوبی ریخته، با احساس نیاز به گسترش ادبیات ایران و اسلام، تصرفاتی منطقی و بجایی در این نظم جهانی پدید آورده بود. در همان تجربیات نخستین نیز نظم کتاب‌ها در زیر هر موضوع براساس الفبای نام پدیدآورندگان تنظیم شده بود و در پایان هر مجلد، نمایه نام پدیدآورندگان، نمایه

اگر کتابشناسی ملی را به عنوان سیاهه‌ای مشتمل بر مواد کتابی یا غیرکتابی انتشار یافته در محدوده جغرافیایی یا زبانی یک کشور و یا مواد انتشار یافته درباره آن کشور در خارج از محدوده جغرافیایی آن که دارای نظم منطقی و شیوه بازبایی آسان است تعریف کنیم، کتابشناسی ملی ایران ۱۳۷۵ به نوعی با این تعریف قابل تطبیق بوده، کوشیده است خود را با این تعریف نه در همه موارد که در مواردی چند سازگار کند؛ چرا که در آخرین صفحه از صفحات آغازین بدون شماره این فصل‌نامه چنین می‌خوانیم.

«در این کتابشناسی مجموعاً ۵۹۳۴ مدرک شامل کتاب‌های چاپ ایران (فارسی، عربی، ترکی، لاتین و کردی و غیره) جزوه‌ها، کتاب‌های گویا (نابینایان) و کتاب‌های فارسی چاپ خارج و کتاب‌های کودکان فهرست شده است...»

این کتابشناسی دارای نظم و طبقه‌بندی دهده دیوبی است یعنی همه کتاب‌ها و مدارک را در طبقه‌بندی دهگانه دیوبی ریخته از کلیات با شماره یا کد ۰۹۹-۰۰۰ آغاز



عناوین کتاب‌ها و نمایه‌ها و نمایه‌ها آورده شده بود.

کتابشناسی ده ساله که به همت حسین بنی‌آدم شکل گرفت، ثمره ده سال تلاش ایرج افشار از سال ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۴۲ بود که به صورت درهم کرد با همان نظم و با همان شیوه و موضوع‌بندی و با همان نمایه‌ها منتشر شد و این کوشش بعدها با وقفه‌ای در سال ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ در کتابخانه ملی در خیابان سی تیر به سال ۱۳۴۸ به همت شادروان محمدزهری شاعر گرانمایه - دبیر گرامی یاد این راقم - ادامه یافت. کتابشناسی از ۱۳۴۸ به بعد با فاصله زمانی یک ماهه و به صورت جزوه انتشار می‌یافت و همان نظم و همان شیوه بر آن جاری بود. جریان تدوین انتشار کتابشناسی ملی تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ادامه یافت و در سال ۱۳۷۵ در تب و تاب انقلاب متوقف شد و در سال ۱۳۵۹ بدون انتشار سه ماهه نخست ۱۳۵۷، سه ماهه دوم در یک مجلد و شش ماهه دوم آن (سه ماهه سوم و چهارم) در یک مجلد انتشار یافت. در سال ۱۳۶۲ و با سه سال تاخیر، کتابشناسی کتاب‌های انتشار یافته، در سال ۱۳۶۰ و در سال ۱۳۶۴ و باز هم با سه سال تاخیر کتابشناسی کتاب‌های انتشار یافته به سال ۱۳۶۱ منتشر شد.

تا این زمان کتابشناسی‌ها جنبه توصیفی داشتند و با شماره ردیف مشخص شده بودند و مراجعه‌کننده با ارجاع به نمایه‌های عنوان، پدیدآورنده و حتی ناشر می‌توانست کتاب مورد علاقه خود را بازیابی کند.

از سال ۱۳۶۵ به بعد و از کتابشناسی شماره ۵۱ که به معرفی کتاب‌های سال ۱۳۶۲ می‌پردازد روش ثبت داده‌های کتابشناسی ملی تغییر کرد و به جای فهرست توصیفی کتاب‌ها، برگه فهرست‌نویسی کتاب در قالب نظم دهمین دیوبنی آورده شد و این شیوه ثبت اطلاعات همچنان تا شماره ۸۶ و ۸۷ که متعلق به آثار انتشار یافته تا نیمه اول سال ۱۳۷۵ است ادامه دارد.

اکنون می‌پردازیم به شماره‌های ۸۶ و ۸۷ این دفتر (۸۶ و ۸۷) متضمن شش بخش است. بخش اول به مقدمه و بخش دوم به بدنه اصلی کتابشناسی، بخش سوم به اطلاعات کتابشناسی کتاب‌های کودکان، بخش چهارم به کتاب‌های نابینایان، بخش پنجم به جزوه‌ها و بخش ششم به نمایه‌ها اختصاص دارد که شامل نمایه موضوع، عنوان، اشخاص و سازمان‌ها می‌شود. اطلاعات کتابشناسی این دفتر به شیوه دفاتر بعد از سال ۱۳۶۵ متضمن برگه مادر است بدین معنا که یک کتاب‌های معرفی شده در این دفتر نیز به شیوه‌ای است که کتابداران بتوانند این برگه‌ها را جهت برگردان کتابخانه خود تکثیر کنند و براساس عنوان، موضوع، نام مؤلف و نام مترجم در برگه‌دان جای دهند و این شیوه تدوین کتابشناسی تا زمانی که نظام فهرست‌نویسی پیش از انتشار در چاپ کتاب‌ها تداول نیافته بود، بسیار سودمند و ارجمند بود. چرا که مانع از آن می‌شد کتاب‌های انتشار یافته و به طور سلیقه‌ای یا توجه به دریافتی که کتابدار بخش فنی کتابخانه از موضوع کتاب دارد، طبقه‌بندی شود و در کتابخانه‌های مختلف در قفسه‌های مختلف و به صورت پراکنده جای‌گزین شود.

در معرفی هر عنوان کتاب که مدخل اصلی قرار گرفته

قبل از نام پدیدآورنده (خواه حقیقی، خواه سازمانی) شماره دیوبنی آن و موضوع کتاب آمده است و در زیر آن عناوین دیگری که در زیر مجموعه آن موضوع اصلی قرار می‌گیرند، آورده شده است. برای مثال:

۲۹۷/۴۱ - مذاهب کلامی

باقر، الهام، ۱۹۴۹.

من یر شدنی...

عنوان فارسی - عربی

قرآن مجید با ترجمه فارسی / ترجمه الهی قمشه‌ای در پایان برگه مجدداً شماره دیوبنی ضبط شده که همان شماره ۲۹۷/۴۱ است. اما متأسفانه این نظم منطقی در همه مدخل‌ها حفظ نشده است. برای مثال کتاب شیعی سبزواری، حسین بن حسین، که قاعدتاً باید در زیر شماره ۲۹۷/۴۱۲ قرار گیرد، در تحت شماره ۲۹۷/۴۱۷ قرار گرفته که تسامحاً پذیرفتنی است.

بخش اطلاعات کتابشناسی کودکان نیز به شیوه بخش دوم (بدنه اصلی کتابشناسی) دارای طبقه‌بندی دهمین دیوبنی است و کتاب‌ها در زیر مجموعه کلیات و تاریخ و جغرافی طبقه‌بندی شده است. در این جا نیز مدخل‌های اصلی یا شماره دیوبنی تفکیک شده و کتاب‌هایی که موضوع واحدی دارند، در زیر آن موضوع قرار می‌گیرند و در پایان برگه، شماره دیوبنی‌ای که سرشناسه اصلی آن موضوع قرار گرفته، ثبت شده است. بخش چهارم ویژه کتابشناسی کتاب‌های نابینایان است که در ضبط اطلاعات کتابشناسی همان شیوه و روش پی‌گرفته شده. جزوه‌ها، بخش پنجم این دفتر را تشکیل می‌دهد که دارای شماره ردیف ویژه جزوه است. آن گاه به بخش نمایه‌ها می‌رسیم که این بخش خود متضمن سه جزء است.

- نمایه موضوع

- نمایه عنوان

- نمایه اشخاص و سازمان‌ها (فارسی و لاتین)

که همه دارای نظم القیای فارسی است و در برابر هر یک از اطلاعات این بخش، شماره ردیف دیوبنی آن آمده است.

چند نکته‌ای در باب کتابشناسی

۱- کتابشناسی ملی یا آن که تجربه چند ده ساله تدوین و انتشار را پشت سر گذارده، خالی از اشکال نیست. یکی از مهم‌ترین مشکلات این کتاب مرجع، بازیابی اطلاعات مندرج در آن است. در شیوه‌های ارزیابی کتب مرجع یکی از اصلی‌ترین معیارها، سهولت در بازیابی اطلاعات است. اگر در کتاب مرجعی، بازیابی اطلاعات بامشکل مواجه باشد، آن کتاب از اعتبار چندانی برخوردار نمی‌شود و متأسفانه کتابشناسی ملی با این مشکل مواجه است، بدین گونه که اگر در طلب بازیابی کتابی باشیم اعم از آن که بخواهید از طریق عنوان به کتاب برسید یا پدیدآورنده و یا ناشر، وقتی به نمایه هر یک از این عناصر سه گانه مراجعه کنید در برابر نام کتاب یا نام پدیدآورنده و یا نام ناشر یک شماره مرکب از سه تا یازده رقم (نگاه کنید به عنوان مجموعه خاطرات رزمندگان اسلام که کد دیوبنی آن یازده رقمی است) را ملاحظه خواهید کرد و در نتیجه مراجعه‌کننده برای بازیابی یک عنوان (مثلاً کتاب کودک)

باید یازده شماره را در خاطر بسپارد و تازه وقتی به بخش دوم یعنی بدنه اصلی کتابشناسی که بخش معرفی کتاب‌های عمومی است مراجعه می‌کند، مشاهده می‌کند که در این بخش، شماره کتاب مورد نظرش وجود ندارد و پس از سردرگمی به بخش سوم مراجعه می‌کند تا شاید در آن جا بیاید. اگر منبع مورد نظر جزوه باشد، مراجعه‌کننده باید بخش دوم، سوم و چهارم را نگاه کند تا دریابد که باید به بخش جزوه‌ها مراجعه کند این شیوه بازیابی حتی برای اهل فن هم خالی از دشواری نیست چه رسد برای افرادی که این ارقام برایشان مفهومی ندارد.

حال آن که اگر سرشناسه‌ها با شماره ردیف مرتب می‌شد و در برابر هر نمایه اعم از نمایه عنوان یا پدیدآورنده و یا ناشر شماره ردیف قرار می‌گرفت، همان گونه که در کتابشناسی‌های پیشین تداول داشت، چه نیازی به این همه رنج بود؟

۲- کتابشناسی کتاب‌های نیمه اول سال ۱۳۷۵ در نیمه دوم سال ۱۳۷۹ منتشر شده است. این روال از بعد از انقلاب و از بعد از وقفه‌ای که در انتشار کتابشناسی پدید آمد، ادامه یافته است و ارجح آن است که عنوان این کتابشناسی به «کتابشناسی گذشته‌نگر ملی» تغییر کند، چرا که دشوار بتوانید کتاب‌های معرفی شده در این منبع را در کتاب فروشی‌ها بیابید، حال آن که هدف از تدوین این کتاب‌شناسی، آگاه‌سازی کتاب دوستان و محققان و کتابداران از کتاب‌های منتشر شده در بازار کتاب است تا با تکیه بر این آگاهی کتاب‌های مورد نیاز خود را تهیه کنند، اما این فایده بخشی به جهت تاخیر چهار سال و نیمه از دست رفته است.

۳- ضبط برگه مادر به عنوان اطلاعات کتابشناسی زمانی می‌توانست سودمند باشد که کتابشناسی ملی از جمله کتابشناسی‌های جاری بود و کتابدار با دریافت این منبع و کتاب مورد نظرش، برگه را تکثیر و در برگه‌دان جای می‌داد لکن، این برگه‌ها زمانی به دست کتابدار می‌رسد که دیگر نیازی به آن ندارد.

۴- در روزگاری که آوردن «کتابشناسی پیش از انتشار» در کتاب‌های چاپ شده در ایران به منزله احکام منزله است و کتاب مجوز چاپ نمی‌گیرد مگر آن که مزین به قاب کتابشناسی پیش از انتشار و مندرجات داخل قاب باشد، ضبط برگه در کتابشناسی چه ضرورتی دارد؟ اگر کتابشناسی ملی پاره‌ای از کشورها مثل انگلستان به صورت برگه کتابشناسی انتشار می‌یابد، چنین حکم پرشداد و غلاظی را در پشت سرخود ندارد و بسیاری از کتاب‌هایشان بدون کتابشناسی پیش از انتشار، نشر می‌یابد.

۵- نکته آخر این که کتابشناسی دارای اغلاط مطبوعه‌ای بسیار است، بالاخص در عناوین لاتین. غریب است با وجود آن همه استاد فن این همه غلط در یک کتاب مشاهده شود.

در هر حال امید است استادان گران قدری که در تدوین این کتابشناسی سهیم بوده‌اند و من در محضرشان درس کتابداری آموخته‌ام به جهت این نگاه منتقدانه که خالی از هر گونه سائبه‌ای است بر من ببخشایند.